

فلسفه وجودی شیطان از منظر آیت الله جوادی آملی

زهرا خواجه^۱

چکیده

انسان موجودی است مختار و برای رسیدن به کمال مدام مورد آزمون و امتحان قرار می‌گیرد. یکی از وسیله‌های آزمایش الهی شیطان است که در خلقت او اموری برای نیل به این هدف وضع شده است. شیطان موجودی وسوسه گر است. بنابر دستور قرآن انسان برای رهایی از توطئه‌های او باید شیطان و فلسفه وجودی او را بشناسد. تحقیق حاضر با بررسی آیات الهی در تفسیر تنسیم و سایر کتب مرتبط از علامه جوادی آملی و با روش توصیفی - تحلیلی به این رسیده که شیطان در ابتدا بنابر موجود مختار، برای عبادت و پرستش الهی خلق گردیده تا با آن به کمال برسد منتهی این هدف بنابر تکبر وی فرجامی نداشت. در کنار فلسفه بالا شیطان با هدف اغواگری برای زمینه‌سازی تکامل انسان خلق شده و هیچ گونه منافاتی با غرض الهی در نظام احسن نداشته؛ چرا که نفی غرض با جهل الهی همراه است و این از ساحت پروردگار مبرا است.

واژگان کلیدی: شیطان، فلسفه وجودی، نظام احسن، جوادی آملی.

^۱. طلبه سطح دو، قم، مدرسه کریمه اهل بیت (علیهم‌السلام).

مقدمه

پایه و اساس نظام خلقت با غرض‌مندی همراه است. هر فعل و خلقت الهی با توجه به علم الهی از مصلحت برخوردار است. بحث از فلسفه وجودی شیطان بنابر موقعیت و قلمرو وجودی او در عاقبت انسان و یا به عبارتی تلاقی شیطان با اذهان و افعال انسان، ضرورت عقلی دارد. یکی از مباحث مهم در کلام الهی توصیف و کیفیت فعلیت شیطان در ارتباط با انسان است. وقتی یک انسان می‌تواند با وسوسه‌ها و اغواگری شیطان از مقام خلیفه الهی خارج گردد؛ بنابراین شناخت اوصاف و حکمت خلقت او امری مهم است. از آنجا که شیطان خلق الهی است؛ لذا اغراضی در پی این خلقت دارد. آیات الهی انسان را از شیطان بر حذر کرده است. علت این امر در اوصاف شیطان نهفته است. براین اساس؛ فلسفه‌ی وجودی شیطان برای انسان و نظام هستی ضرورت دارد.

در زمینه‌ی پیشینه‌ی تحقیق حاضر مقالات مختلفی نگاشته شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- مقاله‌ی «درآمدی بر حکمت وجودی شیطان در منظومه تربیتی قرآن»، نویسنده: محمد حسین خواجه بومی، کرمان، ۱۳۹۸. (هدف از این مقاله، بررسی جایگاه شیطان در نظام احسن است.)

۲- مقاله‌ی «بررسی فلسفه وجودی شیطان»، نویسنده: حسین زارع، قم، ۱۳۹۴. (هدف از این مقاله، بررسی فلسفه وجودی شیطان در رابطه با خداوند، عالم خلقت، انسان‌ها و فلسفه مستقل وجود شیطان است.)

۳- مقاله‌ی «تبیین وجودی شیطان از منظر فخر رازی»، نویسنده: عین الله خادمی، ۱۳۹۵. (هدف از این مقاله، تبیین وجود شیطان، راه‌های نفوذ شیطان از نگاه فخر رازی است.)

با توجه به پیشینه‌ی فوق؛ مقاله حاضر درصدد است پاسخگوی این سؤال باشد که، فلسفه‌ی وجودی شیطان از نگاه جوادی آملی چیست؟ این سؤال در پی سؤالات فرعی است و برای رسیدن به سؤال اصلی باید به این سؤالات پاسخگو باشد. لذا سؤالات فرعی این مقاله به این قرار است:

۱- وجود و شیطان دارای چه ماهیتی است؟ ۲- شیطان چگونه و از چه راه‌هایی به انسان نفوذ دارد؟

۱. فلسفه وجود

قبل از پرداختن به بحث اصلی لازم است در رابطه با فلسفه وجود و شیطان بحث شود. اولین بحث در این مقاله، بیان وجود و فلسفه وجود است.

۱-۱. مفهوم وجود

وجود از ریشه «وجد» به معنای یافتن، بودن می‌باشد که در مقابل عدم و نیستی قرار دارد.^۱ و براساس دیدگاه متکلمان امری بدیهی بودن از تعریف می‌باشد.^۲ این بدیهی بودن وجود باعث بی‌نیاز از تعریف نیست.^۳ امام خمینی (رحمه الله علیه) وجود را قابل تعریف به حد نمی‌داند و آن را عبارت است از؛ منبع شرف دانسته که دارای حقیقتی عینی و خارجی است.^۴ شیخ اشراق نیز در باب معنای وجود چنین بیان می‌کند: «وجود از اموری است که تعریف آن صحیح نیست؛ چون هیچ چیز آشکارتر از معنای وجود نمی‌باشد.^۵ ملاصدرا نیز در باب معنای وجود چنین بیان کرده است: هیچ چیزی شناخته شده‌تر از وجود نیست؛ لذا هر کس بخواهد وجود را به وسیله‌ی اموری تعریف کند، مرتکب خطای فاحشی شده است.^۶

به دیگر سخن، مفهوم وجود از بدیهی‌ترین مفاهیم است که ذهن از همه‌ی موجودات انتزاع می‌کند که نه نیازی به تعریف دارد و نه اساساً چنین کاری ممکن است.^۷ لذا وقتی مثلاً گفته می‌شود: «انسان موجود است» به این معناست که انسان دارای وجود می‌باشد و در خارج واقعیتی است که مصداق مفهوم ماهوی انسان است.^۸

۲-۱. مفهوم فلسفه وجود

فلسفه‌ی وجود به شیوه‌های متفاوت تعریف شده است. مناسب‌ترین تعریف آن است که آن را به مثابه فلسفه‌ای توصیف شود که شناخت بیرونی و مفهومی را در بردارد. براساس این معنا، وجود نمی‌تواند موضوع شناخت باشد. شناخت بیرونی و مفهومی به معنای؛ موضوعیت بخشی وجود به موضوع مطلق شناخت؛ یعنی از کف دادن امر شخصی و تسلیم عام معرفت مفهومی

۱. فیومی، المصباح المنیر، ص ۶۴۸.

۲. سبزواری، شرح المنظومه، ص ۶۲.

۳. حلی، کشف المراد، ص ۲۲.

۴. موسوی خمینی، دعاء السحر، ص ۱۳۳.

۵. سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۲۰۰.

۶. صدرالدین شیرازی، ترجمه حکمت متعالیه در اسفار اربعه، ج ۱، ص ۵۳.

۷. مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۲۷۹.

۸. صدرالدین شیرازی، ترجمه حکمت متعالیه در اسفار اربعه، ج ۳، ص ۳۲.

شدن. تعریف دیگری که از فلسفه‌ی وجود می‌توان ارائه کرد؛ آن است که آن را گونه‌ای فلسفه بیان تلقی کنیم؛ براساس این تعریف، فلسفه وجود همان؛ بیان است. به دیگر سخن می‌توان گفت فلسفه وجود بر آن است تا ذهن اندیشه ور را تبیین کند، اما چنین تبیینی جدا از وجودیت، آن طور که فلسفه موضوعی شدن و مفهوم‌پذیری مشتاق آن است، انجام نمی‌شود. با توجه به این واقعیت آن سوی فرایند موضوعی شدن و مفهوم‌پذیری همواره عناصری ویژه از فلسفه‌ی وجود را در اندیشه‌ی فیلسوفان بزرگ می‌توان یافت.^۱

۲. ماهیت شیطان

بحث دیگر، ماهیت شیطان است. و در ماهیت شیطان، لازم است معنای شیطان و ابلیس و راه‌های نفوذ شیطان نیز بیان شود.

۲-۱. مفهوم شیطان

واژه شیطان از مصدر «شطن» گرفته شده که به معنای ریسمان آمده است.^۲ و در جای دیگر به معنای، هلاک شدن، از بین رفتن و باطل شدن می‌باشد.^۳ و در اصطلاح، شیطان به هر موجود دور از رحمت خداوند اطلاق شده که هدفش فقط وسوسه خلق و دعوت آنان به بدی‌ها و زشتی‌ها است.^۴ و به معنای عام؛ شیطان کسی است که انسان را از حق باز می‌دارد و او را غافل می‌کند و به هر موجودی شریری اعم از جن و انس گفته می‌شود.^۵

شیطان به این معنا هر موجودی که مبدأ شرارت است، به حساب می‌آید. بر این اساس، لفظ «شیطان» هم بر شیطان مشخص اطلاق می‌گردد و هم بر غیر آن، و در جایی که با الف و لام به کار رود، بر شیطان معین و مشخص اطلاق می‌شود.^۶ در قرآن، شواهد فراوانی بر اطلاق لفظ شیطان بر غیر وجود دارد. آنجا که خداوند در این باره چنین فرمودند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ؛ و این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم، که

۱. نیکلای بردیایف و همکاران، «فلسفه وجود، تجربه معنوی و انسان متعال»، ص ۵۷ و ۵۸.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۳۸.

۳. زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰، ص ۳۱۷.

۴. طباطبائی، تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۴۱۲.

۵. موسوی خمینی، آداب الصلاه، ص ۷۸.

۶. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، نشریه معرفت، ج ۱۵۰، ص ۳.

برای فریب مردم همواره گفتاری باطل ولی به ظاهر آراسته به یکدیگر القاء می‌کنند، و اگر پروردگارت می‌خواست چنین نمی‌کردند، پس آنان و آنچه را به دروغ به هم می‌بافند واگذار.^۱

بنابر این سخن، یکی از معانی واژه شیطان ابلیس است. ابلیس عَلم و اسم شخص شیطان است که از جنس جنیان است و از آتش آفریده شده است.^۲ این واژه در قرآن کریم، یازده مرتبه به کار رفته و بیشترین کاربرد آن در داستان آفرینش آدم آمده است. براساس روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، نام اصلی ابلیس حارث بوده و به دلیل عبادت طولانی او را عزیز خداوند خطاب کرده‌اند و به دلیل غرور و سرپیچی از خداوند به این نام نامیده شده است.^۳ «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا؛ و یاد کن هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند، جز ابلیس که از گروه جن بود، پس او از دایره فرمان پروردگارش بیرون رفت. با این حال آیا او و نسلش را به جای من سرپرست و یاور خود می‌گیرید، در حالی که آن‌ها دشمن شمايند. ابلیس و نسلش برای ستمکاران، بد جایگزینی به جای خدا هستند.»^۴

۲-۲. راه‌های نفوذ شیطان

به گفته‌ی جوادی آملی شیطان از راه‌های مختلفی به انسان نفوذ پیدا می‌کند که به برخی از آن‌ها با توجه به تفسیر تسنیم اشاره می‌شود:^۵

یکی از مهم‌ترین راه‌های نفوذ شیطان، زینت بخش بودن اعمال در نظر انسان است. شیطان با زینت دادن به اعمال انسان بر وی نفوذ کرده و او را فریب می‌دهد. در قرآن کریم در این باره چنین آمده است: «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ...؛ و به یاد آور هنگامی را که شیطان، اعمال مشرکان را در نظرشان جلوه داد...»^۶ به دیگر سخن، شیطان با افکندن دل و قلب و ذهن انسان به آرزوهای باطل و دور و دراز کردن آن به انسان نفوذ کرده و موجبات انحرافی او را فراهم می‌کند. خداوند در آیه‌ای در این باره می‌فرماید: «وَلَا ضَلَالَهُمْ وَلَا مَلْنَهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنْ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغِيرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ...؛ و یقیناً آنان را گمراه می‌کنم، و دچار آرزوهای دور و دراز و

^۱. انعام: آیه ۱۱۲.

^۲. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، نشریه معرفت، ج ۱۵۰، ص ۳.

^۳. طریحی، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۲۳۹.

^۴. کهف: آیه ۵۰.

^۵. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

^۶. انفال: آیه ۴۸.

۳-۵. شیطان و نظام احسن

منظور از احسن بودن در مسئله‌ی نظام احسن؛ یعنی وجود حقیقی برتر؛ نه به معنای آنچه در مسائل ارزشی و قانون‌گذاری و امور اعتباری مطرح می‌شود.^۱ بر طبق این معنا، آفرینش جهانی بهتر از جهان موجود محال است و در تبیین فلسفی آن چنین نوشته شده است: «هر چه اطلاق شیء به آن صادق باشد مخلوق خداست و آنچه را خدای سبحان آفرید، نیکو آفرید. پس زیباتر از نظام هستی که آفریده خداست محال است؛ زیرا اگر زیباتر از آن ممکن بود و خداوند آن را نمی‌آفرید، منشأ آن یا جهل یا عجز بود که این با اوصاف جهان هستی که خداوند آفریده تطابق ندارد.^۲ از این رو وجود شرور در نظام احسن، نظم را نقض نمی‌کند؛ زیرا شرور نه با تصادف ایجاد می‌شود و نه با نظام علّی و معلولی مخالف است؛ لذا هر رویدادی که شرّ نامیده می‌شود دارای سبب و علّت مخصوص به خود است.^۳

بدین جهت، شیطان که شرور نامیده شده است، وسوسه‌های او در مجموع نظام تکامل، برای نیل انسان به مقامات بلند ضرورت دارد. هرچند در مقایسه‌ی شیطان با فرشته یکی از آن‌ها زشت و دیگری زیبا است. لذا شر بودن شیطان در نظام احسن نسبی است؛ یعنی شر آن ناشی از سوء اختیار تبه‌کارانی است که به پیروی از شیطان، خود را گرفتار کرده است. امّا مؤمنان با اختیار کردن راه صلحا و مقاومت در برابر وسوسه‌های شیطان به درجات عالی دست یافته‌اند. در این صورت نه تنها شیطان برای آنان شر نیست، بلکه خیر محسوب شده که آن‌ها را به کمال رسانده است.^۴ لذا آفرینش شر مطلق با حکمت الهی سازگاری ندارد. بر این اساس؛ فلسفه‌ی وجودی ابلیس به اعتبار وجود نفسی‌اش جز خیر نیست. به تعبیر دیگر؛ وجود ابلیس، شرّ محض نیست بلکه شرّی است که آمیخته به خیر است.^۵

شهید مطهری در این باره چنین می‌نویسد: «چون جنبه خیر شیطانی بر جنبه شرش برتری دارد، پس نتیجه می‌گیریم که شیطان وجودش برای جهان هستی خیر است نه شر. و اگر موجودی منفعتی اعظم داشته باشد، آفریده می‌شود.^۶

۱. جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج ۳، ص ۶۵۰.

۲. جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۲۵۳.

۳. جوادی آملی، ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد، ص ۲۳۱.

۴. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ توحید در قرآن، ص ۴۱۳.

۵. محمدی آشنانی، ابلیس دشمن قسم خورده، ص ۱۲۷.

۶. مطهری، عدل الهی، ص ۱۰۱.

با این تفسیر، در نظام هستی، شیطان کلب معلم است. به این نحو که شیطان اگر چه فرمان خداوند متعال را به عنوان اطلاعات از وی (سجده کردن بر آدمی) عصیان کرد؛ اما در نظام تکوین نمی‌تواند عصیان کند؛ زیرا وظیفه‌ی او نسبت به انسان‌های گمراه شده وسوسه و نسبت به برخی دیگر سلطه و ولایت است و این امر به اندازه‌ای که خداوند در نظام تکوینی به او اجازه داده باشد مؤثر است.^۱

بر این اساس؛ وجود شیطان به عنوان عامل وسوسه‌گر که زمینه‌ی مجاهدت‌ها و فضائل را فراهم می‌کند، خیر و لازم برای نظام هستی است و اگر شیطان نبود، زمینه‌ی هیچ نوع عصیانی، گناه، فراهم نمی‌شد و راهی برای تکامل و آزمایش نبود. به عبارت دیگر؛ هیچ انسانی نمی‌توانست به تکامل برسد و از ملائکه بالاتر رود. همان که پیامبران و امامان به این مرتبه دست یافتند. لذا وجود شیطان از زیبایی‌های نظام احسن است که باید باشد و وجودش هیچ خللی به احسن بودن نظام هستی ندارد؛ بلکه از ضروریات نظام احسن است.^۲

^۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۸، ص ۵۰۶.

^۲. فیاض بخش، جمال حسن و نظام احسن، ص ۱۲۹.

نتیجه‌گیری

معنای وجود از بدیهی‌ترین مفاهیم انتزاعی است. لذا موجود شدن مساوی است با واقعیت پذیری آن در خارج. بررسی فلسفه وجودی یک شیء به معنای تبیین و توصیف معرفت بیرونی و مفهومی آن شیء است. در این بحث بررسی فلسفه وجود شیطان مباحثی همچون؛ بررسی ماهیت و نحوه فعلیت آن ضروری است. هر آنچه که مبدأ شرارت بوده با هدف وسوسه خلق فعالیت کند شیطان نامیده می‌شود. در منابع دینی، شیطان به نام ابلیس که از جنس جنیان و از آتش خلق شده است نام دیگر شیطان است. از یافته‌های پژوهش حاضر در بیان راه‌های نفوذ شیطان در نظر علامه جوادی آملی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: زینت دادن اعمال در نظر انسان برای به دام انداختن وی در آرزوهای دور و دراز، وسوسه کردن؛ یعنی تبدیل کردن کار خوب به بد و بالعکس کار بد به خوب.

با این وصف و تعریف از شیطان فلسفه وجودی شیطان چیست؟ پژوهش حاضر با پیش فرض غرضمندی افعال الهی از دیدگاه جوادی آملی به یافته‌های زیر رسیده است:

۱. عبادت و بندگی؛ گفته شد شیطان از جنس جن است؛ لذا از اغراض اصلی حکمت او عبادت الهی است. این قسم از فلسفه وجودی که برای تکامل خود شیطان و با اموری همچون اختیار و اراده آن تکون یافته شده؛ تحقق پیدا نکرد.

۲. اغواگری شیطان؛ با توجه به اوصاف قبلی یکی از مهم‌ترین فلسفه وجودی شیطان، وسوسه افکنی و فریب دهندگی او است. بعد از خروج شیطان از درگاه الهی با هدف وسوسه انداختن انسان، مهلتی از خداوند گرفته است.

۳. امتحان بندگان؛ مکمل فلسفه قبلی و به تبع آن حکمت دیگری بر او عارض می‌شود که منجر به تکامل یافتن انسان می‌شود. انسان با صفت اختیار به سمت آزمون و امتحان الهی می‌رود و اگر با مقاومت در برابر حملات شیطانی پیروز این میدان باشد به کمال خواهد رسید.

۴. نظام احسن؛ تطبیق و سازگاری شیطان با نظام احسن امری ممکن و آسان است؛ زیرا هر آنچه که لفظ وجود به آن تلقی گردد، خیر بوده و بنابراین با وجود شیطان نظام خلقت دچار نقض نخواهد شد. شرور گرچه نسبت به برخی امری نامناسب است ولی این امر با نظام علی و معلولی منافات ندارد، زیرا خداوند از هر جهل و عجزی مبرا است. بنابراین شر بودن شیطان در نظام احسن امری نسبی است و اگر به فرض مثال شیطان در ذهن یک انسان وسوسه‌گری کند اگرچه در ظاهر امری شر بحساب بیاید ولی وسیله‌ای برای آزمون بوده و با مقاومت فرد خیری نصیبش می‌شود که تکامل وی را به همراه خواهد داشت. در واقع شیطان در این نظام عاملی برای زمینه سازی مجاهدت، تکامل و کسب فضائل انسانی به ارمغان خواهد آورد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۳-، تفسیر سوره مبارکه حج، جلسه ۲۷، ۱۳۹۳/۱۱/۱۰.
- ۴-، تفسیر موضوعی قرآن کریم، هدایت در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۹۹ هـ.ش.
- ۵-، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ توحید در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۹۳ هـ.ش.
- ۶-، درس تفسیر: ۱۳۸۵/۲/۲۴.
- ۷-، درس تفسیر: ۹۵/۱۱/۶.
- ۸-، ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد، تهران، انتشارات زهرا، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- ۹-، سرچشمه اندیشه، قم، اسراء، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۱۰- حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۱۱- زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت - لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۱۱- سبزواری، هادی، شرح المنظومه، تهران، نشر ناب، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۱۲- سهروردی، یحیی بن حبش، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، مصحح: حسین نصر، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- ۱۳- صدارالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ترجمه حکمت متعالیه در اسفار اربعه، مترجم: محمد خواجوی، تهران، مؤسسه بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۱۴-، المبدأ و معاد، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ هـ.ش.
- ۱۵- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۱۶- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۱۷- فیاض بخش، نفیسه، جمال حسن و نظام احسن، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۱۸- فیومی، احمد بن احمد، المصباح المنیر، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۹۷ هـ.ش.

- ۱۹- محمدی آشنائی، علی، ابلیس دشمن قسم خورده، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۲۰- مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین (علیه السلام)، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- ۲۱- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۹۱ هـ.ش.
- ۲۲- مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، صدرا، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۲۴- موسوی خمینی، روح الله، آداب الصلاه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۲۵- دعاء السحر، مترجم: احمد زنجانی، تهران، انتشارات تربت، ۱۳۹۷ هـ.ش.
- ۲۶- مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، نشریه معرفت، قم، ماهنامه معرفت، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- ۲۷- نیکلای بردیایف و همکاران، «فلسفه وجود، تجربه معنوی و انسان متعال»، انتشارات نامه فاسفه، ش ۵، ۱۳۷۷ هـ.ش.